

«دولت به مردم یارانه می‌دهد یا مردم به دولت؟»



مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با آقای محمد هاشمی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

اقتصاد ایران: جناب آقای هاشمی! نظر شما در مورد هدفمند کردن یارانه و قیمت‌گذاری انرژی و به طور کلی طرح ارایه شده به مجلس چه می‌باشد؟

در وهله اول، طرح هدفمند کردن یارانه‌ها با این سؤال مواجه است که اصولاً هدفمند کردن کدام یارانه مدنظر است؟ یارانه‌ای که مردم به دولت پرداخت می‌کنند یا یارانه‌ای که دولت به مردم نمی‌پردازد؟ دولت، قیمت‌های بین‌المللی و فوب منطقه‌ای را واقعی می‌داند، در حالی که این قیمت‌ها برای داخل کشور واقعی نیستند. به عنوان مثال، زمانی که قیمت نفت در جهان افزایش پیدا کرد، ایران نیز مانند سایر کشورها قیمت بنزین را افزایش داد، اما هنگامی که قیمت نفت کاهش پیدا کرد و همه دنیا بنزین را با قیمت پایین به مصرف‌کننده عرضه کردند، دولت ایران قیمت بنزین را تغییر نداد که این مسأله از بحث عدالت‌محوری به دور است. در ارتباط با قیمت‌گذاری، باید از دیدگاه تولیدکننده و ارزش افزوده نیز این بحث را مطرح کنیم. اگر ما قیمت نهاده‌ها را به قیمت خارجی محاسبه کنیم، مزیت‌هایی که از طریق ارزش افزوده کسب می‌کنیم، منتفی خواهد شد. وقتی در اقتصاد برای کشوری مزیت‌هایی را در نظر می‌گیریم - مثلاً مواردی چون سطح پایین دستمزد کارگر، انرژی ارزان و بازار مصرف - باید از آنها استفاده بهینه کرد. اما استدلال وزارت نفت در شیوه این بهره‌وری این است که مواد اولیه‌ای که به صنایع پتروشیمی داخل عرضه می‌کند، ۵ درصد ارزان‌تر از قیمت بین‌المللی است. در حالی که این استدلال به هیچ عنوان نمی‌تواند توجیه‌کننده بهره‌وری مزیت‌های کشور باشد.

اقتصاد ایران: ارزیابی شما از قیمت‌گذاری انرژی بر مبنای قیمت‌های بین‌المللی، چیست؟

در ارتباط با قیمت‌گذاری دو حالت کلی مفروض است؛ اگر مشتری یک فرد خارجی و مقیم خارج از کشور باشد، می‌توان مبنای قیمت بین‌المللی قرار داد. ولی اگر مشتری فردی ایرانی و مقیم کشور باشد، هنگام محاسبه قیمت، دو دیدگاه شکل می‌گیرد: یا دولت به مردم یارانه می‌دهد و یا از مردم یارانه (مالیات) می‌گیرد.

با توجه به بحث داغ قیمت‌گذاری انرژی - به ویژه آن که آیا بهتر است محاسبه قیمت‌ها بر اساس نرخ‌های بین‌المللی صورت گیرد یا خیر - این سؤال مطرح است که معیار تعیین قیمت حامل‌های انرژی چیست؟ اصولاً قیمت‌گذاری یا بر اساس عرضه و تقاضا است و یا بر اساس

هزینه. البته از بُعد تقاضا، قیمت بر مبنای مطلوبیت مصرف‌کننده است. از این رو سؤال اساسی ما این است که اصولاً قیمت‌گذاری انرژی بر چه اساسی استوار است؟ آیا باید مبنای قیمت‌های بین‌المللی قرار داد و یا قیمت‌های داخلی ملاک تصمیم‌گیری است؟

به نظر من کالایی که در داخل کشور تولید می‌شود، باید بر مبنای قیمت تمام شده داخلی عرضه شود. اگر نفت به عنوان ثروت ملی و منبع درآمد‌های مالی کشور، بشکله‌ای A تومان تولید شود، دلیلی ندارد چون در بازار آمریکا و اروپا A+B تومان معامله می‌شود، در داخل نیز همین نرخ را از مردم دریافت کنیم. اما اگر قرار باشد چنین شیوه‌ای را در پیش بگیریم، باید در رابطه با سایر مسایل نیز همین روند را پیگیری کنیم؛ به عنوان مثال، کارگر یا مهندسی که در چنین چارچوبی قیمت انرژی را پرداخت می‌کند، باید درآمدش نیز مطابق با حقوق و دستمزد آمریکا باشد. این که درآمد فرد ایرانی با قیمت‌های داخلی محاسبه شود، اما قیمت‌های انرژی را به عنوان هزینه‌های او بر مبنای بازارهای اروپایی و آمریکا محاسبه کنند، منصفانه نیست. همچنین اگر قرار است شیوه قیمت‌گذاری بر این اساس باشد، باید تولیدات یک کشاورز را نیز بر همین مبنای خریداری کنند، در حالی که شاهدیم تولیدات کشاورز داخل را به قیمت بازار داخلی خریداری می‌کنند.

اگر قیمت‌های بین‌المللی را مبنای قیمت‌گذاری قرار دهیم، باید قیمت تمام کالاها نیز بر آن اساس شکل گیرد و حقوق و دستمزد، سود بانکی، قیمت بنزین و سایر موارد نیز با همین قاعده محاسبه شوند و نه فقط در مواردی که به نفع دولت است از این شیوه استفاده شود. باید نسبت موزونی بین درآمدها و هزینه‌ها وجود داشته باشد. تعرفه ورود و خروج کالا در اختیار دولت و مجلس است.

اقتصاد ایران: به نظر شما با توجه به مزیت‌های موجود در کشور برای تولید حامل‌های انرژی و هزینه‌های پایین تولید این محصولات در ایران، پرداخت یارانه‌ها یا ارقامی که مطرح می‌شود صحیح است؟

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چرا برای بعضی بازارهای داخلی، قیمت از طریق هزینه تمام شده به اضافه‌ی حاشیه سود محاسبه می‌گردد، ولی برای بعضی از بازارها - مثل نفت - استثنا قایل می‌شوند؟ من معتقدم در این زمینه، این ملت است که دارد به دولت یارانه می‌دهد؛ به عنوان مثال، قیمت بنزین در داخل کشور، به ازای هر لیتر ۲۵ تا ۳۰ تومان تمام می‌شود، در حالی که به

مردم به نرخ ۱۰۰ تا ۴۰۰ تومان فروخته می‌شود. حتی زمانی که بنزین به قیمت ۱۰ تومان عرضه می‌شد، ادعا می‌کردند که مردم یارانه دریافت می‌کنند، در صورتی که مصرف‌کننده به دولت یارانه (مالیات) می‌پردازد. با این حساب، دولت از مردم یارانه دریافت می‌کند، نه مردم از دولت. من اساس این مسأله را برخلاف عدالت می‌دانم و معتقدم این نوعی اجحاف اقتصادی است که بر مردم روا داشته می‌شود. نفت و انرژی با هر تفسیری متعلق به مردم است. قیمت‌گذاری نفت (انرژی) با این سیستم، علمی نیست، بلکه یک قرارداد محسوب می‌شود. اگر نفت را بشکله‌ای ۱۰۰ دلار به خارج از کشور صادر کنیم و به پالایشگاه‌های داخل نیز با همین قیمت بفروشیم، این رفتار روی قیمت تولیدات زیردستی نیز تأثیر منفی می‌گذارد. حتی تخفیف ۵ تا ۱۰ درصدی مواد اولیه به صنایع داخلی نیز نمی‌تواند به حفظ مزیت صنایع داخلی بیانجامد.

هر کشوری در موارد مختلف برای مردم مالیات وضع می‌کند، اما مردم را از آن حقیقت آگاه می‌کند که آنها در ازای انرژی، X درصد از حقوق و مزایا یا اضافه تولید خود را به عنوان مالیات می‌پردازند. با این دیدگاه، بالطبع هزینه‌های دولت کاهش خواهند یافت. بنابراین با توجه به این مطلب، دولت نباید هزینه‌های جاری را از محل درآمدهای فروش نفت تأمین کند، بلکه باید بودجه را بر اساس مالیات طرح‌ریزی کند. سپس این مبالغ به عنوان مالیات برای دولت منظور شود. از این رو قیمت‌گذاری صحیح مانند سایر موارد، باید به صورت سود حاشیه به علاوه هزینه تمام شده شکل گیرد.

اقتصاد ایران: ارزیابی شما از قیمت کنونی انرژی چیست؟

در مجموع، قیمت عرضه انرژی (مخصوصاً نفت و گاز) در کشور عادلانه نیست. مثلاً برای تعیین قیمت برق، مواد و سوخت نیروگاه را بر اساس قیمت بین‌المللی محاسبه می‌کنند، در نتیجه قیمت تمام شده برای مصرف‌کننده داخلی افزایش می‌یابد. در صورتی که اگر

بخش خصوصی یا قیمت‌های خلیج فارس؟

میان بر رفاه

در شرایط کنونی می‌توانیم به بخش خصوصی کشور اعتماد کنیم و هزینه تولید انرژی را کاهش داده یا قیمت‌های فوب خلیج فارس را برگزینیم و صنعت و اقتصاد کشور را فلج نماییم. اختیار با دولت است!

قیمت انرژی در ایران، به دلیل انحصاری بودن تولید توسط بخش دولتی، در نقطه A قرارداد که این قیمت با توجه به سطح تقاضا در جامعه تعیین می‌شود. حال آن که با ورود بخش خصوصی به جریان تولید و خروج تولید حامل‌های انرژی از وضعیت انحصاری به رقابتی، قیمت تمام شده کاهش می‌یابد؛ به گونه‌ای که هرچه بازار به سمت رقابت کامل پیش می‌رود - البته با توجه به نیاز به سرمایه اولیه بالای طرح‌های سرمایه‌گذاری انرژی، امکان رقابتی شدن کامل در این صنعت وجود ندارد - قیمت تمام شده کاهش یافته و تولید بیشتر با قیمت کمتری عرضه می‌گردد که این امر، منجر به ایجاد اضافه رفاهی به اندازه مثلث تیره نمودار برای مصرف‌کننده خواهد شد.

این در حالی است که دولت قصد دارد قیمتی را در حد قیمت‌های فوب خلیج فارس در نظر بگیرد و ما به التفاوتی را به اندازه EF - که معلوم نیست حاصل چه رابطه‌ای است - منظور نماید. اما چرا بخش خصوصی بهینه‌تر است؟ از بارزترین خصوصیات که باعث می‌شود تا کارایی بخش خصوصی بالاتر باشد، رقابتی بودن تولید است. ورود بخش خصوصی به عرصه تولید و توزیع انرژی، به دلیل آزادی رقابت برای همه تولیدکنندگان و تقویت روند خروج تولید از حالت انحصاری دولتی به سمت رقابتی، قیمت تمام شده را کاهش داده و با افزایش سطح تولید و در نتیجه عرضه بیشتر انرژی در کنار کارایی بالاتر، می‌تواند اضافه رفاهی را نیز عاید جامعه کند. با توجه به توضیحات فوق الذکر، امید است دولت محترم، رشد و توسعه دو جانبه - هم در صنعت انرژی و هم به واسطه کاهش قیمت حامل‌های انرژی در سایر صنایع - را فدای سیاست افزایش قیمت‌ها تا حد قیمت‌های فوب خلیج فارس نکند.

صورت برای قیمت‌گذاری انرژی بر مبنای قیمت‌های بین‌المللی، هیچ منطق دیگری وجود ندارد.

تعمیراتی: ارزیابی شما از استفاده بیشتر دهک‌های پردرآمد از یارانه چه می‌باشند؟

اگر این واقعیت را که مصرف‌کننده در ازای مصرف منابع انرژی، مالیات پرداخت می‌کند در نظر بگیریم، برخی مؤلفه‌ها تغییر خواهند کرد؛ به عنوان مثال، در شرایط کنونی گفته می‌شود که قشر مرفه جامعه به علت مصرف بیشتر، از یارانه بیشتری نیز بهره می‌برد، که این امر به دلیل آن که این قشر مالیات بیشتری را به دولت می‌پردازد و لذا سود بیشتری را هم نصیب دولت می‌کنند که البته منطقی به نظر می‌رسد.

تعمیراتی: به نظر شما با اجرای این طرح، چه تغییری در منابع درآمدی و هزینه‌های دولت ایجاد خواهد شد؟ اگر قرار است شفاف‌سازی صورت گیرد و حساب‌های ملی تصحیح شوند، باید منابع درآمدی و هزینه‌ای مشخص باشند. در حال حاضر، منابع درآمد دولت، در حساب هزینه منظور می‌شوند؛ به عنوان مثال، وقتی بنزین لیتری ۴۰۰ تومان به مردم فروخته می‌شود، نوعی درآمد است، ولی در حساب‌های ملی به عنوان هزینه قید می‌شود.

فعالیت صندوق سرمایه‌گذاری توسعه ملی نیز اساساً نادرست است. بانک مرکزی باید تا جایی که ضرورت ایجاد می‌کند، کنترل پولی کشور را در اختیار داشته باشد. با اجرای این طرح، نقش بانک مرکزی حذف خواهد شد. علاوه بر موارد مذکور، این نوع قیمت‌گذاری با منطق حاکم بر حوزه علم اقتصاد نیز هماهنگ نیست، چراکه با توجه به تورم بالای کشور، اگر نرخ سود بانکی کشور بر اساس نرخ‌های نازل بین‌المللی نرخ‌گذاری شود ممکن است منجر به فرار سرمایه شده و یا با تأثیر بر نرخ ارز، ریال را به شدت ضعیف کند.

تعمیراتی: متشکریم. ■

بهای سوخت بر اساس قیمت تمام شده در داخل محاسبه شود، بهای پرداختی از سوی مصرف‌کننده تا این حد افزایش نمی‌یابد. بنابراین اگر بحث عدالت اجتماعی مطرح است، باید مبنای محاسبات را تغییر داد. برخی می‌گویند که فقها هم این روش قیمت‌گذاری را پذیرفته‌اند، اما باید گفت که فقه، بر شرط مکان و زمان تأکید می‌کند. در مورد قیمت نیز فقه هرگز نمی‌پذیرد که قیمت آمریکا مبنای محاسبه در داخل کشور قرار گیرد.

تعمیراتی: یعنی می‌باید شرایط جغرافیایی را نیز وارد چرخه بحث نماییم؟

این بسیار مستدل است، چراکه هر کالایی خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به خود را دارد که در این مورد، مکان و زمان هم تأثیرگذار است. به طور مثال، بنزین در آمریکا با قیمت مشخصی خرید و فروش می‌شود که قطعاً با قیمت خرید و فروش بنزین در آلمان متفاوت است. ضمن این که مقداری که مصرف‌کننده بابت آن می‌تواند پرداخت کند، بر اساس مطلوبیت او است که این مطلوبیت به بودجه مصرف‌کننده مرتبط است. در حال حاضر، مردم نیز از این بابت بسیار نگرانند که در صورت افزایش قیمت انرژی، چگونه خواهند توانست مخارج خود را تأمین کنند؟

تعمیراتی: به نظر شما در زمینه قیمت‌گذاری، چه نظامی به عنوان کارآمدترین نظام می‌باشد؟

به نظر من، قیمت‌گذاری بر اساس هزینه تمام شده بسیار متین و منطقی است. در این حالت، منحنی عرضه بر اساس هزینه‌های تمام شده تعیین می‌شود. تنها دلیلی که در پاسخ به این سؤال - که چرا باید از قیمت‌های بین‌المللی استفاده کرد - به ذهن می‌رسد، به ویژگی برخی منابع طبیعی انرژی تجدیدناپذیر از قبیل نفت بازمی‌گردد؛ یعنی از آنجا که نفت جزو منابع تجدیدناپذیر انرژی محسوب می‌شود، قیمتی که باید برای آن در نظر گرفت، بین‌المللی است. اما مشروط بر آن که مبلغ دریافت شده از مصرف‌کننده، برای آیندگان پس‌انداز شود، در غیر این



قیمت‌گذاری بر مبنای انحصار و رقابت

